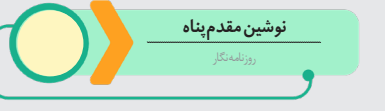


گزارش

حمایت از قالیبافان، حمایت از هنر ملی و به معنای ارج نهادن به صنایع دستی و تاریخی است و تمامی دولت‌ها می‌بایست در بودجه‌های سنواتی اعتبار کافی برای بیمه کردن تمام قالیبافان کشور



قالیبافی یکی از مشاغل سخت و دشوار است. شاید در نگاه اول، شغل زن یا مرد بافنده‌ای را که در خانه یک دار قالی برپا کرده و در ساعات دلخواه کار می‌کند، سخت و زیان‌آور ندانیم، اما حاصل سال‌ها کار سخت پشت دارهای قالی، ناتوانی بدن و دردهای جسمی بسیار است؛ دیسک کمر، آرتروز، تاری دید و کاهش بینایی از جمله عوارضی است که عمده قالیبافان کشور بعد از ۱۰ یا ۱۵ سال کار سخت به آن دچار می‌شوند.

برای اینکه یک شغل را سخت و زیان‌آور بدانیم و به دنبال چندوچون بازتنسستی پیش‌ازموعد برای کارگران آن باشیم، می‌بایست قبل از هر چیز به برقراری بیمه ببندیشیم. «بیمه قالیبافان» اما به نظر می‌رسد دچار یک چالش حدودا ۱۰ ساله است. سال‌هاست که چند صد هزار قالیباف پشت صف بیمه منتظر تصمیمات حمایتی دولت‌های مختلف ایستاده‌اند.

در انتظار بیمه

در فروردین‌ماه سال جاری، مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های فرش دستباف با اشاره به جزییات بیمه اجتماعی قالیبافان از وجود ۵۰۰ هزار بافنده در صف انتظار بیمه خبر داد و اظهار امیدواری کرد این تعداد تا پایان امسال تحت پوشش بیمه اجتماعی صندوق روستاییان و عشایر قرار گیرند.

به گفته عبدالله بهرامی، «در حال حاضر ۲۵۰ هزار نفر بیمه شده تأمین اجتماعی داریم و حداقل دو برابر این رقم یعنی ۵۰۰ هزار نفر در صف انتظار بیمه تأمین اجتماعی قرار دارند که متأسفانه به دلیل عدم حمایت و عدم تأمین منابع برای پوشش قالیبافان قادر نیستند از مزایای بیمه تأمین اجتماعی برخوردار شوند.»

با این حساب در حال حاضر حداقل ۵۰۰ هزار کارگر بافنده در سراسر کشور در انتظار سهمیه بیمه هستند. این گروه از کارگران فاقد سهمیه که عموماً به طبقات کم‌درآمد و روستایی کشور تعلق دارند، توان پرداخت حق بیمه خویش‌فرمای بیمه تأمین اجتماعی را نیز ندارند. به گفته مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های فرش دستباف، «اگر بافندگان بخواهند خود را بیمه خویش‌فرمای کنند باید در ماه ۱.۵ میلیون تومان بابت بیمه پرداخت کنند، در حالی که مبلغ بیمه تأمین اجتماعی پایین‌تر است.»

به این ترتیب، قالیبافان کم‌توان کشور توان استفاده از بیمه اختیاری را ندارند و بیمه قالیبافی سازمان تأمین اجتماعی نیز به دلیل نامشخص بودن منابع آن برای اجرایی‌سازی با دشواری‌های بسیاری مواجه است. بر اساس جداول رسمی سازمان تأمین اجتماعی، قالیبافان واجدبیمه در سال جاری باید هفت درصد حق‌بیمه را خود بپردازند و پرداخت ۲۰ درصد آن برعهده دولت است. این هفت درصد به تناسب تعداد روزهای ماه، مبلغی بین ۳۷۱ تا ۳۸۴ هزار تومان است. این در حالی است که بدهی انباشته دولت‌ها در طول سالیان

گزارش

استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه، یکی از مدل‌های پذیرفته‌شده جهانی برای گسترش خدمات حمایتی و بیمه‌ای

است که با هدف همگانی‌شدن تأمین اجتماعی با اولویت‌گروه‌های آسیب‌پذیر در دستور کار بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است. در کشور ما نیز با توجه به چالش‌های عمده نظام تأمین اجتماعی، استقرار نظام «تأمین اجتماعی چندلایه» در چند سند قانونی و راهبردی مورد توجه جدی قرار گرفته و برای نمونه، در ماده (۲۷) قانون برنامه پنجم توسعه کشور بر طراحی و استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه تأکید شده است.

در طول برنامه پنجم؛ حتی در سال‌های آغازین برنامه ششم توسعه، دولت‌ها اقدامات اجرایی و عملیاتی چندانی برای پیاده‌کردن راهبرد برنامه توسعه مبنی بر طراحی و استقرار یک نظام تأمین اجتماعی چندلایه صورت ندادند اما فروردین‌ماه سال ۱۴۰۱، با ابلاغ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، استقرار نظام چندلایه تأمین اجتماعی، تبدیل به یک ضرورت فزادستی شد. در ۲۱ فروردین‌ماه سال ۱۴۰۱، رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجرای بند «یک» اصل (۱۱۰) قانون اساسی و پس از مشورت با

کارگران هنرمند در انتظار باز شدن چتر بیمه

آیا حمایت دولت، گره از بیمه قالیبافان می‌گشاید

در نظر گیرند. در این بین، راهکارهای گوناگونی از سوی مدیران و کارشناسان مطرح می‌شود که هر کدام دارای نقاط قوت و البته ضعف است.



تبدیل به یک مشکل اساسی برای بزرگترین سازمان بیمه‌گر کشور شده است. اهمیت این موضوع تا جایی است که در بند چهارم ابلاغ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری بر «جلوگیری از ایجاد و انباشت بدهی‌های دولت» تأکید شده است.

ضریب پشتیبانی

آمارهای رسمی نشان می‌دهد تا امروز درصد کمی از بافندگان فرش کشور توانسته‌اند از بیمه قالیبافی تحت پوشش صندوق تأمین اجتماعی استفاده کنند. بر اساس آخرین آمارهای مرکز ملی فرش ایران در مهرماه سال جاری، حدود دو میلیون نفر در کشور به کار قالیبافی اشتغال دارند که از این تعداد نزدیک به ۲۳۰ هزار نفر بیمه تأمین اجتماعی شده‌اند. حدود ۵۰ هزار نفر هم بیمه روستایی و عشایری دارند که در مجموع حدود ۱۴ درصد قالیبافان کشور را تشکیل می‌دهد.

در واقع در حال حاضر ۸۶ درصد از قالیبافان کشور، فاقد هر نوع بیمه هستند و تنها راهی که برای پوشش حمایت‌های اجتماعی در پیش رو دارند، استفاده از بیمه اختیاری سازمان تأمین اجتماعی است که این گزینه نیز به دلیل هزینه ماهانه ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی آن، خود به خود منتفی است. فرحناز رافع رییس مرکز ملی فرش ایران در انتقاد از ظرفیت ناچیز بیمه قالیبافان می‌گوید: «متأسفانه بیش از ۱۰ سال است که حتی یک نفر به ظرفیت بیمه قالیبافی اضافه نشده و در عین حال، ما شاهد کاهش شمار بیمه‌شدگان هم بوده‌ایم.» موضوعی که مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونی‌های فرش دستباف نیز آن را تأیید می‌کند: «بیمه ۲۵۰ هزار بافنده از سال ۹۲ تاکنون به علت عدم تأمین بودجه و یا قوانین سختگیرانه بیمه‌ای قطع شده است. این در حالی است که بر اساس مصوبه سال ۸۸ مجلس شورای اسلامی مقرر بود سالانه ۱۰۰ هزار بافنده بیمه شوند». به گفته عبدالله

بیمه



یادداشت



معایب انصراف از بیمه تأمین اجتماعی



اصل بیمه از اولین ضروریات اشتغال است، اما چرا برخی نیروی کار شاغل نسبت به مزایای کوتاه‌مدت و بلندمدت بیمه و حمایت‌های اجتماعی اطلاع کافی ندارند و برای قطع رابطه بیمه‌پردازی اشتیاق نشان می‌دهند؟ چگونه می‌توان آگاهی جمعی مردم را در رابطه با مزایای قرارگیری در زیر چتر حمایتی سازمان بزرگ تأمین اجتماعی افزایش داد؟

برخی مواقع مشاهده می‌شود کارگری که نمی‌داند داشتن بیمه چه مزایایی دارد و فقدان آن چه مضراتی به بار می‌آورد، یا کارفرما توافق خلاف قانون می‌کند و می‌پذیرد که بیمه نشود و در مقابل آن، هر ماه مبلغ حق بیمه را علاوه بر حقوق از کارفرما دریافت کند. این کارگر به احتمال بسیار زیاد در آینده پشیمان می‌شود و در موارد بسیاری هیچ راهی برای جبران وجود ندارد. برخی کارفرمایان نیز آگاهی ندارند و نمی‌دانند تبعات این توافق غیرقانونی چیست، بنابراین به این رفتار خلاف قانون تن می‌دهند و به جای پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی، پول بیمه را به خود کارگر می‌دهند. این کارفرمایان نیز در موارد بسیار ضرر می‌کنند؛ چراکه کارگری که خود توافق کرده ممکن است به جایی برسد که پشیمان شود، به عنوان نمونه اگر به سن بازتنسستی برسد دچار بیماری شود و نیاز به غرامت ایام بیماری داشته باشد، در این شرایط ممکن است از کارفرما شکایت کند؛ چون به بیمه واقعاً نیاز دارد. در صورت شکایت کارگر، آن توافق غیرقانونی هیچ اعتباری نخواهد داشت و کارفرما ضرر خواهد کرد. در صورت شکایت کارگر از کارفرما در مورد بیمه برای نهاد دولت نیز در دسر ایجاد می‌شود؛ زیرا مراجع حل اختلاف باید وقت و نیرو بگذرانند تا به چنین پرونده‌هایی رسیدگی کنند و تأمین اجتماعی نیز باید تبعات اجرایی آرای صادره را بپذیرد. بنابراین عدم پرداخت بیمه برای کارکنی با توافق خود کارگر، به شدت در دسر ساز است و کارگر، کارفرما و دولت را با مشکل مواجه می‌کند. اما چگونه می‌توان آگاهی مردم و نیروی کار را نسبت به مزایای بیمه افزایش داد؟ در حقیقت رسالت اصلی این کار برعهده نهادهای بیمه‌گر است. این در حالی است که مابرای افزایش آگاهی جمعی در مورد مزایای بیمه، نیاز به «فرهنگ‌سازی» داریم. تأمین اجتماعی به عنوان صندوقی که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تحت پوشش دارد، این آگاهی‌رسانی و کار فرهنگی را انجام می‌دهد. اما به نظر می‌رسد کم‌اکان با اقدامات بهبودبخش و راهبردهای تکمیلی بیشتر نیازمندیم. تصویر سازمان تأمین اجتماعی در نگاه جامعه، می‌بایست یک تصویر خوانا، واضح و منطقی با واقعیت باشد و برای موفقیت در این مسیر، ما به اعتمادسازی نیاز داریم. تصویر تأمین اجتماعی به عنوان یک نهاد عمومی که هدف آن تأمین آتیه کارگر و پشتیبانی از کارفرماست، باید به طور کامل و واضح در رسانه‌ها و در رأس همه، رسانه خود این سازمان- منعکس شود.

با تشریح خدمات سازمان در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و تبیین حمایت‌های سازمان، این تصویر تکمیل خواهد شد. تنها در صورت ترسیم چنین تصویری و تبیین همه‌جیزیت آن، روند اعتمادسازی با موفقیت انجام خواهد شد. جامعه باید بداند که حضور در زیر چتر سازمان تأمین اجتماعی چه فوایدی دارد. اگر غیر از این باشد، هم کارگران و هم کارفرمایان متضرر می‌شوند. ما با پرونده‌های حقوقی بسیاری مواجه هستیم که کارگر ۱۰ سال بعد از انصراف اختیاری از بیمه‌پردازی که البته روندی غیرقانونی بوده، پشیمان شده و به دنبال شکایت از کارفرماست. ما کارگرانی داریم که در دوران رونق کارگاه، خود را بی‌نیاز از بیمه می‌بینند، اما بعد از گذشت مدتی، ناگهان بیکار می‌شوند. در این شرایط این افراد به شدت به مستمری بیکاری نیازمند می‌شوند، اما راهی برای بازگشت نیست. جامعه باید متوجه شود «بیمه» اولین شرط اشتغال است. کار بدون بیمه تأمین اجتماعی هیچ‌گونه امنیتی ندارد و کارگر در صورت بروز کوچکترین مشکلی، متوجه جای خالی چتر حمایت‌هایی شود.

بنابراین نیروی کار باید بداند انصراف از بیمه به معنای «انصراف از امروز مطمئن و آینده‌ایمن و آسوده» است. کارگری که بیمه نمی‌خواهد، غیرمستقیم به خانواده خود نیز آسیب می‌زند.

گسترش پوشش بیمه قالیبافان ممکن نشده است. در واقع در ۱۰ سال اخیر، تعداد بسیار کم و انگشت‌شمار ی از بافندگان زیر چتر بیمه قرار گرفتند و این یک ضعف اساسی است.»

به گفته این کارشناس رفاه، قالیبافی از صنایع تاریخی و تمدنی ماست و قالیبافان جزو سرمایه‌های فرهنگی کشور هستند لذا تمامی دولت‌ها مکلفند از این حرفه به عنوان یک هنر تاریخی و یک نماد فرهنگی حمایت کنند و برای هنرمندان این رشته، بسترهای اشتغال شایسته و ایمن را فراهم آورند.

اورنگ با تأکید بر اینکه بیمه از اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق قالیبافان کشور است که اکثریت آن‌ها متعلق به طبقات محروم و حاشیه‌نشین هستند و سود چندانی از حاصل کار خود نمی‌برند، افزود: «برای زنده ماندن هنر قالیبافی که هم یک هنر ملی ست و هم می‌تواند منشأ درآمذایی ارز برای کشور باشد، باید برای قالیبافان مشوق‌های کافی در نظر گرفته شود؛ یکی از این مشوق‌ها امتیازات، بیمه درمان و بازتنسستی است. بنابر این پیشنهاد اصلی من این است که دولت منابع ریالی کافی برای بیمه کردن تمام قالیبافان کشور را تأمین و در بودجه‌های سنواتی کشور لحاظ کند.»

این کارشناس رفاه و بیمه‌های اجتماعی، حمایت از قالیبافان را وظیفه‌ی ذاتی دولت‌ها دانست و گفت: «صنعت قالیبافی، بخشی از حیثیت ملی ماست؛ در طول تاریخ، همواره کشور ما را به عنوان مرکز اصلی تأمین فرش جهان می‌شناخته‌اند اما امروز متأسفانه در حال از دست دادن بخش بزرگی از بازار فرش دنیا هستیم. بنابراین ناتوانی در تأمین اعتبار ریالی برای بیمه قالیبافان، هیچ توجیهی ندارد.»

اورنگ تصریح کرد: «حمایت از قالیبافان، حمایت از هنر ملی و به معنای ارج نهادن به صنایع دستی و تاریخی است و دولت‌ها بایستی در بودجه‌های سنواتی اعتبار ریالی کافی برای بیمه کردن تمام بافندگان کشور در نظر بگیرند؛ مگر تعداد کل قالیبافان در سراسر کشور چند نفر است؟ مگر بیمه کردن همه اینها چقدر اعتبار می‌خواهد؟ بهترین راه حل این است که نهاد دولت تأمین اعتبار بیمه‌ای این گروه را برعهده بگیرد؛ حداقل همان ۲۰ یا ۲۲ درصد سهم بیمه مندرج در قانون را که سهم دولت است در بودجه جاری هر سال ببینند و با تأمین اعتبار مناسب بپردازند.»

به اعتقاد او، برخی دولت‌های گذشته اهتمامی برای عمل به تعهدات بیمه‌ای خود در قابل صندوق تأمین اجتماعی نداشتند و به همین دلیل، بیمه قالیبافان مانند بیمه سایر گروه‌ها و مشاغل خاص، دچار توقف و بن‌بست شد. او تأکید می‌کند: «طبیعی است که سازمان تأمین اجتماعی «نمی‌تواند» و نیاید از محل حق بیمه‌های دریافتی از بیمه‌شدگان عادی، برای بیمه‌شدگان خاص مانند قالیبافان هزینه کند. پرداخت بخش عمده حق بیمه این گروه‌ها، وظیفه نهاد دولت است و اینکه دولت‌ها از سال ۹۳، نقدینگی کافی برای تأمین اعتبار بیمه قالیبافان نداشته‌اند، استدلال قابل قبولی نیست و هیچ توجیهی ندارد.»

اجرای نظام چندلایه با پوشش بیمه‌ای گروه‌های خاص

از ارکان اصلی سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی است. تأمین اجتماعی چندلایه بر اساس سطح‌بندی نظام تأمین اجتماعی در کشور عمل می‌کند. حال مسأله اینجاست که وظایف هر یک از بخش‌های متولی امر تأمین اجتماعی برای استقرار این نظام چیست و جایگاه سازمان تأمین اجتماعی در این ساختار کجاست و چه نقشی برعهده دارد؟

بر اساس یک گزارش از مرکز پژوهش‌های مجلس، ساده‌ترین نوع نظام‌های تأمین اجتماعی چندلایه، شامل سه لایه حمایتی، بیمه‌ای و تکمیلی می‌شوند. لایه اول (حمایتی با مکانیسم باز توزیع اجباری) اغلب به منظور کاهش فقر (با تأکید بر کاهش فقر مطلق)، عواید و منافع عمومی برای افراد با ویژگی خاص یا تمام افراد جامعه را در نظر می‌گیرد. این عایدی‌ها به طور عمده در زمان افزایش بیکاری یا زمانی که عواید مستمری عمومی کاهش یابد، نقش مهمتری ایفا می‌کنند. در جامعه‌ای که جمعیت پیر رو به افزایش است، نقش این لایه حمایتی می‌تواند بیشتر آشکار شود. در واقع جامعه هدف لایه حمایتی، گروه‌های آسیب‌پذیر و کم‌توانی هستند که به دلیل فقدان شغل رسمی، در طول عمر خود از حمایت صندوق‌های بیمه‌ای و بازتنسستی کشور محروم

مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی و مصوب تأمین اجتماعی را برای اقدام به رؤسای قوای سه‌گانه و رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند.

در متن سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی در ارتباط با ضرورت «تأمین اجتماعی برای همگان» آمده است: «ایجاد رفاه عمومی، برطرف ساختن فقر و محرومیت، حمایت از اقشار و گروه‌های هدف خدمات اجتماعی از جمله بی‌سرپرستان، از کارافتادگان، معلولان و سالمندان و آنچه‌از اهداف رفاه و تأمین اجتماعی که در اصول (۳)، (۲۱)، (۲۸)، (۲۹)، (۳۱) و (۴۳) قانون اساسی آمده است، اقتضاء می‌کند نظامی کارآمد، توانمندساز، عدالت‌بنیان، کرامت‌بخش و جامع برای تأمین اجتماعی همگان که بر گرفته از الگوهای اسلامی- ایرانی و مبتنی بر نظام اداری کارآمد، حذف تشکیلات غیر ضرور و رفع تبعیض‌های ناروا و بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی باشد، طراحی و اجرا شود». اما اولین شرطی که برای طراحی این نظام فراگیر در نظر گرفته شد، «استقرار نظام تأمین اجتماعی به صورت جامع، یکپارچه، شفاف، کارآمد، فراگیر و چندلایه» بود.

به این ترتیب، طراحی و استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه و ایجاد رویه‌های قانونی برای استقرار آن، یکی